حال و هوای بازار بزرگ تهران در شب عید

سرچراغی ۱۴۰۰

محمد معصومیان
گزارش نویس

رضا در انتهای حجره کوچکش وسط بازار کفاش‌ها نشسته و از دریچه کوچک مغازه با حسرت به مردمی نگاه می‌کند که شبیه رهگذرانی بی‌تفاوت می‌گذرند: «هر کس این همه جمعیت را ببیند فکر می‌کند ما داریم پول پارو می‌کنیم اما مغازه من و همکارانم خالی است. انگار مردم فقط برای قدم زدن به بازار می‌آیند.» اگر عکس‌های بازار بزرگ تهران و موج جمعیت تنیده در دالان‌های تنگ آن را دیده باشید لابد با خودتان می‌گویید چه بازار شب عید شلوغی و بالاخره رونق برگشت. اما فروشنده‌ها می‌گویند از بازار شب عید تنها شلوغی‌اش نصیب آنها شده و مانند سال‌های گذشته از خرید خبری نیست.

اگر یک دانه ارزن هم در چهارراه گلوبندک به زمین بیاید حتماً با سر یک نفر برخورد می‌کند. مردم تنه به تنه هم راه می‌روند و حتی یک فضای چند سانتیمتری خالی هم پیدا نمی‌شود. دستفروشان جوان با صورت‌های خسته اما صدای بلند مشغول فروش نارنجک و ترقه چهارشنبه‌سوری در جعبه‌های کوچک هستند و خیل جمعیت درحال هجوم به بازار. قدم زدن در بازار بزرگ تهران شاید یکی از پرخطرترین کارهایی است که در وضعیت همه‌گیری کرونا می‌شود انجام داد اما این ویروس هم باعث نشده مردم پا پس بکشند و مانند پارسال این روزها از خانه بیرون نیایند.

صدای فریاد دستفروشان بلندترین صدای بازار است. درست جلوی ورودی بازار کفاش‌ها یکی از آنها بلوز بافت مردانه‌ای را با آخرین قدرت دستانش به آسمان پرتاب می‌کند و فریاد می‌زند: «۱۰۰ هزار تومان شده ۶۰ هزار تومان بیا تا تموم نشده.» مردم دورتا دورش جمع شده‌اند و از بین بلوزهای درهم گوریده یکی یکی انتخاب می‌کنند. فروشنده‌ای دست زیر چانه زده و خیره به دستفروش نگاه می‌کند. روی میزی که او پشت آن نشسته پر است از شلوارهای زنانه رنگارنگ خانگی. رضا از سال ۶۶ اینجا مغازه دارد و به قول خودش در تمام این سال‌ها بازار به این کسادی را تجربه نکرده است: «فعلاً که فقط تماشاگر بازار و شلوغی هستیم و از فروش خبری نیست اما دستفروش‌ها درآمد خوبی دارند چون مردم فکر می‌کنند آنها ارزانتر می‌فروشند.» او می‌خواهد کنارش بنشینم و به مردم و کیسه‌های خریدی که در دست دارند نگاه کنم تا خودم به وضعیت پی ببرم.

در دستان مردمی که بازار را گز می‌کنند یا از کیسه خرید خبری نیست یا آنقدر کوچک است که از خودم می‌پرسم پس چرا مردم خطر می‌کنند و به دل شلوغی می‌زنند. رضا توضیح می‌دهد: «مردم بیشتر برای دیدن، به بازار می‌آیند. قیمت‌ها را نگاه می‌کنند تا شاید چیزی به دردشان بخورد. قبلاً این‌طوری نبود، به قصد خرید می‌آمدند، شاید الان هم به قصد خرید بیایند ولی وقتی قیمت‌ها را می‌بینند صرف‌نظر می‌کنند. قیمت هم چه عرض کنم هر دو هفته یک‌بار بالا می‌رود. قبلاً ۴ ماه یا ۵ ماه یک‌بار بالا می‌رفت الان لحظه‌ای بالا می‌رود. نمی‌شود هر لحظه بالا برد ما هر سه هفته یک‌بار بالا می‌بریم چاره‌ای هم نداریم.» وارد دالان اصلی می‌شوم و برعکس جریان جمعیت، صورت به صورت پیش می‌روم. مغازه‌های خالی زیادی از پشت جمعیت پیداست.

«بازار مریض است.» این جمله مجید فروشنده لباس مردانه است که از صبح به‌قول خودش بیشتر از پنج قلم جنس نفروخته است: «مردم از روی عادت به بازار می‌آیند. پیش خودشان فکر می‌کنند قدمی بزنند و ساندویچی بخورند و اگر چیز ارزانی هم پیدا کردند، بخرند. آن از پارسال که به طورکل تعطیل بودیم این هم از امسال که قیمت‌ها سر به فلک کشیده و کسی جرأت خرید ندارد.»

همین‌طور که با او حرف می‌زنم دو پسر جوان قیمت یک شلوار جین را می‌پرسند. مجید قیمت می‌دهد و بلافاصله به حرف زدن ادامه می‌دهیم. مشتری‌ها هم وارد صحبت می‌شوند. یکی از آنها رو به من می‌گوید: «من قصد جسارت ندارم اما شما حاضری این شلوار را ۳۰۰ هزار تومان بخری؟» مجید به خودش می‌گیرد و در جواب می‌گوید: «من هم می‌دانم قیمت بالاست ولی چکار کنم وقتی گران می‌خرم؟» مشتری می‌گوید: «ما از اهر با اتوبوس و دو لایه ماسک ۱۰ ساعت توی اتوبوس نشسته‌ایم که بیاییم اینجا خرید کنیم. اما قیمت‌ها طوری است که سرگیجه گرفته‌ایم.» آقای مشتری و دوستش که در اهر فروشگاه پوشاک دارند از کم شدن مشتری در شهرستان‌شان می‌گویند و اینکه به‌خاطر نبود گردشگر بازار آنها هم راکد است.

گرانی و کرونا بازار بزرگ تهران را تبدیل به نمایشگاه بزرگی کرده است. مشتری‌ها قیمت می‌گیرند و سرخورده می‌شوند و فروشنده‌ها هم به قول مصطفی سماق می‌مکند. مصطفی که در کوچه‌های پشت بازار مغازه لباس زنانه فروشی دارد با ماسک پشت پیشخوان نشسته و انگار با خودش عهد کرده به هیچ قیمت اخم‌هایش را باز نکند: «امسال سال افتضاحی بود پایانش هم افتضاح‌تر. ۹ سال است اینجا مغازه دارم و اگر بخواهد با این وضعیت ادامه پیدا کند باید جمع کنم و بروم. پارچه از ۴۵ هزار تومان رسیده به ۱۴۰ هزار تومان. آنقدر تورم زیاد است که مردم حق دارند خرید نکنند.» او می‌گوید تا قبل از بهمن ماه هم بازار خوبی داشته اما با شیوع دوباره بیماری اوضاع به‌هم ریخته و آن انتظاری که برای شب عید داشته، برآورده نمی‌شود.

خانواده چهار نفره‌ای را در چند مغازه به‌صورت اتفاقی می‌بینم که قیمت‌گیران و آه‌کشان از فروشگاهی به فروشگاه بعدی می‌روند. پدر خانواده که دو فرزند دختر و پسر نوجوان دارد ناامیدانه از گرانی اجناس شکایت می‌کند: «گفتیم بیاییم برای بچه‌ها خرید کنیم اما واقعیتش با حقوق کارگری و کار خانگی همسرم هیچ چیزی گیرمان نمی‌آید. چند جا رفتیم برای خرید شلوار اما همه بالای ۱۵۰ هزار تومان است. رفتیم یک ناهار خوردیم و واقعاً فکر می‌کنم بهتر است خرید نکنیم و برگردیم خانه.»

فروشنده که صحبت مرد خانواده را شنیده، سری تکان می‌دهد و حرف فروشنده‌های دیگر درباره کسادی بازار را تکرار می‌کند: «سال‌های گذشته مشتری زیادی از شهرستان‌ها داشتیم اما الان با این محدودیت‌ها آنها را هم از دست داده‌ایم و این به بازار فشار می‌آورد. مشتری ما در اصل اینهایی نیستند که دنبال یک قلم جنس‌اند؛ طرف از اهواز می‌آمد یک نیسان شلوار و پیراهن می‌برد اما الان خبری نیست. خیلی‌ها هم از شهرستان‌ها می‌آمدند و نیاز سال‌شان را اینجا خرید می‌کردند.» او بازار این روزها را نمایش گرانی می‌داند که فقط به انتشار بیشتر ویروس کمک می‌کند و هیچ سودی به حال مشتری و فروشنده ندارد.

عید و خرید لباس نو برای کودکانی که چرخ دستی‌های مشتریان را می‌کشند رنگ و بویی ندارد. دیدن آنها که دسته‌های چرخ دستی از قدشان هم بلندتر است در کنار کودکانی که همراه پدر و مادر راهی بازار شب عید شده‌اند شبیه کابوسی است که از فرط تکرار عادی به نظر می‌رسد. کودکانی که عید برایشان تنها زمانی است برای کسب درآمد و کمک خرج خانواده شدن. زمانی برای شیطنت و ویراژ دادن بین جمعیت با چرخ دستی تا اینکه زودتر به مشتری برسند. آنها از عید و شادی‌های کوچکش چیزی نمی‌دانند.

> اگر یک دانه ارزن هم در چهارراه گلوبندک به زمین بیاید حتماً با سر یک نفر برخورد می‌کند. مردم تنه به تنه هم راه می‌روند و حتی یک فضای چند سانتیمتری خالی هم پیدا نمی‌شود. دستفروشان جوان با صورت‌های خسته اما صدای بلند مشغول فروش نارنجک و ترقه چهارشنبه سوری در جعبه‌های کوچک هستند و خیل جمعیت درحال هجوم به بازار

سجاد صفری/ ایران

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۶۲۳

آسان

۱					۵	۳	۷	
	۷		۳	۱	۲		۸	
		۸	۶	۹				
۴	۲		۵	۸				
۷	۸					۳		۵
				۳	۴		۱	۸
				۷	۹	۱		
	۹		۱	۶	۸		۴	
	۱	۷	۴					۲

متوسط

		۵		۹		۸		
۴			۱			۷	۶	۹
	۹							۱
	۷	۸		۶			۴	
			۷		۳			
	۳			۵		۲	۱	
۷							۹	
۸	۵	۳			۹			۴
		۴		۷		۱		

سخت

	۷			۵	۶	۲		
۶		۲		۱				
			۳			۱	۷	
					۱	۴		۹
	۶						۲	
۵		۴	۹					
	۱	۵			۸			
				۹		۷		۳
		۸	۲	۷			۵	

خیلی سخت

۲		۳					۵	
	۶			۸				۲
		۵		۴	۶			
					۱			۷
	۲	۷				۶	۸	
۶			۸					
			۷	۳		۴		
۷				۱			۳	
	۵					۱		۹

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۲۳

آسان

۶	۸	۱	۷	۴	۲	۵	۳	۹
۴	۲	۳	۵	۸	۹	۷	۶	۱
۷	۵	۹	۳	۶	۱	۲	۸	۴
۹	۶	۴	۸	۲	۳	۱	۷	۵
۳	۱	۷	۶	۵	۴	۸	۲	۹
۸	۷	۲	۱	۹	۶	۴	۵	۳
۱	۴	۵	۹	۷	۸	۶	۳	۲
۲	۹	۶	۴	۳	۵	۱	۸	۷
۵	۳	۸	۲	۱	۷	۹	۴	۶

متوسط

۳	۵	۴	۶	۹	۷	۸	۱	۲
۸	۷	۳	۱	۴	۲	۶	۹	۵
۹	۱	۲	۸	۵	۳	۷	۴	۶
۶	۸	۱	۷	۲	۴	۳	۵	۹
۴	۲	۷	۳	۶	۹	۱	۸	۵
۷	۹	۵	۴	۸	۱	۲	۶	۳
۱	۶	۸	۵	۳	۴	۹	۷	۲
۵	۳	۴	۲	۷	۶	۸	۹	۱
۲	۷	۹	۱	۱	۸	۴	۳	۶

سخت

۱	۷	۴	۹	۸	۲	۶	۵	۳
۶	۳	۵	۷	۴	۱	۹	۲	۸
۹	۸	۲	۶	۳	۵	۷	۱	۴
۳	۱	۷	۴	۶	۸	۲	۹	۵
۴	۶	۸	۲	۹	۷	۱	۳	۱
۵	۹	۱	۳	۲	۱	۸	۴	۷
۷	۲	۳	۱	۵	۴	۶	۸	۹
۸	۴	۶	۵	۷	۹	۳	۱	۲
۱	۵	۹	۸	۱	۳	۴	۷	۶

خیلی سخت

۶	۸	۱	۷	۴	۲	۵	۳	۹
۴	۲	۳	۵	۸	۹	۷	۶	۱
۷	۵	۹	۳	۶	۱	۲	۸	۴
۹	۶	۴	۸	۲	۳	۱	۷	۵
۳	۱	۷	۶	۵	۴	۸	۲	۹
۸	۷	۲	۱	۹	۶	۴	۵	۳
۱	۴	۵	۹	۷	۸	۶	۳	۲
۲	۹	۶	۴	۳	۵	۱	۸	۷
۵	۳	۸	۲	۱	۷	۹	۴	۶

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۸۹

جدول عادی

افقی:

۱- مبارک- بازیگر مرد سریال «نون خ ۳» که قرار است در عید نوروز ۱۴۰۰ پخش شود
۲- تیم فرانسوی- پشم درون دوات- نخ نوعی چراغ نفتی
۳- پاکدامنی- ثابت و برقرار- مارکی برلپ تاپ
۴- شیره‌اش کتیراست- مقابل «روز»- سود و فایده- همیشه
۵- فرار حیوان- ترنم خوانی یا خوش خوانی به شیوای خاص و با احساس- دیگر
۶- فرمان مغولی- از انواع تشک- طلیعه اعداد
۷- دیوار دور شهر- خرده گرفتن- درآمد
۸- بازیگر مرد سریال «با خانمان» که ماه قبل پخش شد
۹- دیوار قلعه- امور- مقام ارشد اداره
۱۰- یادداشت- نوار صوتی- روزانه
۱۱- راه خروج- حس ذائقه- حرف خطاب
۱۲- مقیاس طول- درازترین شب سال- پول سامورایی‌ها- نابودشده
۱۳- بوی خوش- سازسیمی- گوشه گرفتن از خلق
۱۴- رنگ گیاهی- جمع ناسک- ظاهر و آشکار
۱۵- مرغ آتشی- گلر «پرسپولیس»

عمودی:

۱- آهسته و ناگهانی در رفتن و جیم شدن- بلند پایه
۲- زمین ساقه- اپراکمیک- استطاعت و دارایی
۳- سفره طعام- حنا- رودی در بالکان
۴- مادربزرگ- تحیت- همسرایی- مادرمیهن
۵- صورت پذیرفتن- نوعی بازی با اعداد- عدد کارمندی!
۶- بگذار- آری- شهر توریستی «گیلان»
۷- تیر پیکاندار- تفاوت- واحد تقسیم زمین، ملک و اشیای تحت تملک
۸- از اجزای ساعت- یار مشهدی- نوعی پیچ گوشتی
۹- گویش و شیوه گفتار- فرایند نابودی تدریجی رویه یک ماده- قلب دوم!
۱۰- شهر وتیم انگلیسی- کلام تأسف- خردل صحرایی
۱۱- ردیف نوبتی!- یار «لورل»- جنس رویه دندان
۱۲- تخته شکسته بندی- دهان کجی- قابل دیدن- بله عرب
۱۳- واحد پول «بحرین»- دلسوزتر از مادر!- زیاد شده
۱۴- جمع قلب- آبگوشت ساده- با «حال» آید
۱۵- پیروان حضرت موسی (ع)- از آثار تاریخی جنوب اصفهان که در زمان شاه عباس ساخته شده

جدول ویژه

افقی:

۱- سدی تاریخی نزدیک «بیرجند»- یکی از ابزارهای آزمایشگاهی
۲- منطقه‌ای در «جمهوری چک»- علامت اعشار- سرزمین یخبندان
۳- بی دغدغه- جزیره ایرانی- اداره کننده
۴- بیوه- جایگاه ویژه- جمع امر- بنای حکومتی قدما بود
۵- ضمیر وزنی- نام یک شرکت تولیدکننده خودروی برقی اسپرت- بشارت دهنده
۶- بی حرکت- نو- آب شرعی
۷- سوی راست- تباهی‌ها- مطیع
۸- اثری از «علی بهرامی» (۱۳۹۹)
۹- کشیدنی نامطلوب- سازگار- نوعی هورمون
۱۰- بله آلمانی- یکای حجم- عرق ریزی
۱۱- تنه- تکیه گاه خفته- فیلم «رابرت دی»
۱۲- اسلحه شمشیرباز- در قدیم به همراه خانه خرید و فروش می‌شد- ماه کارگری- مکعب بازی
۱۳- بلاوزیرک- جامه‌بند- نوعی شرکت
۱۴- سفینه فضاپیما- حاکم ایالت- تهیدست
۱۵- اثر «الکسی آربوزف» داروی اختلال دوقطبی

عمودی:

۱- بازیگر فیلم «لاله» محصول سال ۱۳۹۹- شنای کرال سینه
۲- شهر خانه تاریخی فاطمی- منتهای آرزو- کندن و پراکندن گل
۳- اهرم- پسر فریدون- نامی دخترانه
۴- از معیارهای ساده و مفید سنجش توزیع درآمد- فدراسیون شنا- جوال- شکوه
۵- فصیح- موضوع و متن- پرگومی زند
۶- پیش درآمد غم- وضع و رفتار و حرکات شخص- برافروختگی
۷- رنگ مو- موفق- آگاهی
۸- سازی زهی- تخصصی- قباله مالکیت
۹- ضرورت داشتن- بی نظیر- معطرکننده چای
۱۰- عملی در دید و بازدید که این روزها به دلیل کرونا بشدت منع شده- پرچم- سلحشور
۱۱- بس- شاگرد میرعماد- مقام ارشد اداره
۱۲- هراس- پول ژاپن- بانگ جانور درنده- عزم قوی
۱۳- باطراوت- شکوفایی و پیشرفت- نوعی شکلات
۱۴- وسیله حمل نوزاد- کاغذ کم ارزش- مبتکر «شعر سپید»
۱۵- اثر «مادلین میلر»- مکتبی در ادبیات

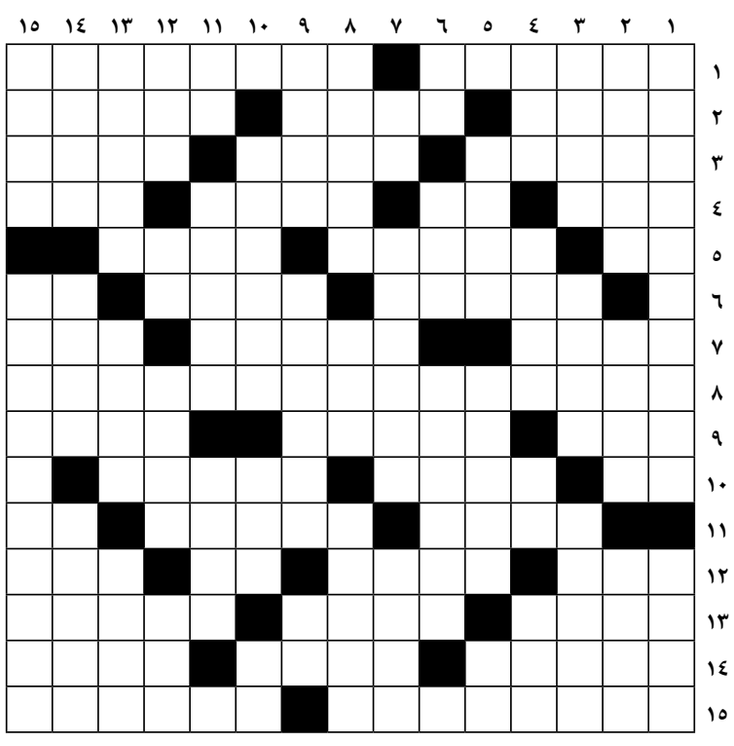

حل جدول عادی شماره ۷۵۸۸

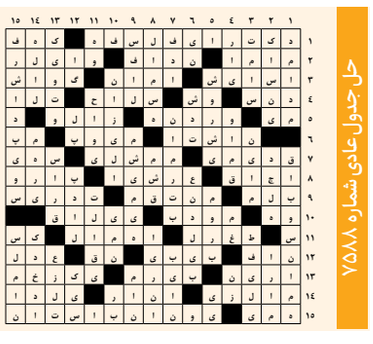
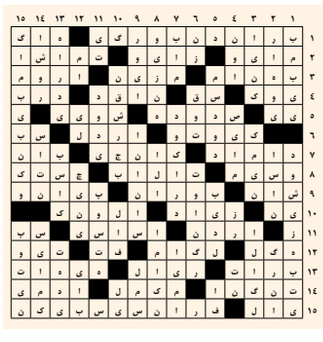
حل جدول ویژه شماره ۷۵۸۸